**باسمه تعالی**

[تذکر: عدم دخالت مبنای استفاده عموم از جریان مقدمات حکمت در مدخول ادات عموم 1](#_Toc480265636)

[مورد دوم: جمع بین مطلق شمولی و مطلق بدلی 2](#_Toc480265637)

[اقوال 3](#_Toc480265638)

[ادله 3](#_Toc480265639)

[دلیل عدم تقدم هیچیک بر دیگری 3](#_Toc480265640)

[دلیل تقدم اطلاق شمولی 3](#_Toc480265641)

[وجه نخست: عدم تصرف در دلیلین اولی از تصرف در یک دلیل 4](#_Toc480265642)

[مناقشه یکم: استحسان بودن این وجه (محقق خویی) 4](#_Toc480265643)

[مناقشه دوم: مستبطین بودن بدلی به شمولی (محقق خویی) 5](#_Toc480265644)

[جواب از مناقشه یکم: اظهر بودن مطلق شمولی (محقق صدر) 5](#_Toc480265645)

[جواب نقضی به مناقشه دوم : (نظر تحقیق) 6](#_Toc480265646)

[جواب دوم به مناقشه دوم: متضمن نبودم اطلاق بدلی بر اطلاق شمولی (نظر تحقیق) 6](#_Toc480265647)

**موضوع**: تعارض/عدم شمول اخبار علاجیه به موارد جمع عرفی /مورد دوم مطلق شمولی و مطلق بدلی

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در عدم شمول اخبار علاجیه به موارد جمع عرفی بود، مورد اول تعارض عام با مطلق بود، شیخ انصاری و محقق نائینی علیه الرحمة قائل شدند بر تقدم عام بر مطلق و محقق خراسانی علیه الرحمة در محل کلام منکر شدند و در بحث واجب مشروط با شیخ انصاری هم نظر شده اند. و انکار ایشان در محل بحث درست نیست، و در نظر تحقیق رأی شیخ انصاری اختیار شد. دلیل تقدم عام هم به این جهت بود که دلالت عام با وضع و تکلم است و دلالت مطلق با مقدمات حکمت و سکوت، و دلالت و کاشفیت تکلم اقوی از دلالت سکوت می باشد.

تذکر: عدم دخالت مبنای استفاده عموم از جریان مقدمات حکمت در مدخول ادات عموم

در تقدم عام بر مطلق بین دو مبنای ذیل فرقی نیست؛

یکم: مبنای استفاده عموم از نفس ادات عموم

دوم: مبنای استفاده عموم از جریان مقدمات حکمت در مدخول

طبق مبنای دوم ابتدا باید مقدمات حکمت در مدخول جاری شده و روشن شود که از آن مطلق اراده شده است یا مقید، سپس ادات عام بر استیعاب مدخول دلالت کند، مثلاً اگر مدخول «کل»، مطلقِ «عالم» باشد، کل دلالت می کند بر عمومیت تمامی افراد عالم، و اگر مدخول کل «عالم عادل» باشد کل دلالت دارد بر استعیاب هر عالم عادلی.

برخی از محققین قائل به نظریه نخست بوده و محقق نائینی از قائلین به نظریه دوم می باشند و مرحوم آخوند خراسانی بین ادات عموم تفصیل داده اند، ایشان در «کل» می فرمایند نیاز به مقدمات حکمت نیست و در دیگر ادات نیازمند مقدمات حکمت می باشیم.

طبق مبنای نخست تقدم عام بر مطلق پر واضح است، «لاتکرم کل فاسق» مقدم است بر «اکرم العالم» چون عرف می گوید عام گفتار است و اطلاق سکوت، و گفتار بر سکوت مقدم می باشد. و طبق مبنای دوم، هم «اکرم العالم» نیازمند مقدمات حکمت است و هم «فاسق» نیازمند مقدمات حمکت است، لکن با اینکه هر دو نیازمند مقدمات حکمت هستند لکن دلیل عام مزیت اضافه ای دارد و آن اینکه بعد از آنکه با مقدمات حکمت روشن شد که مطلق فاسق مراد است، عموم عام نطق است، و نطق بودن آن را اقوی از دلیل دیگر می کند و موجب تقدم عرفی است.

##### مورد دوم: جمع بین مطلق شمولی و مطلق بدلی

مورد دوم از موارد جمع عرفی تعارض مطلق شمولی با مطلق بدلی، این مورد شبیه مورد نخست می باشد[[1]](#footnote-1).

محقق خراسانی به این مورد متعرض نشده و محقق نائینی متعرض شده اند.

محقق نائینی اطلاق را تقسیم کرده اند به اطلاق بدلی و اطلاق شمولی.

اطلاق بدلی اطلاقی است که در امتثال اگر یکی از مصادیق علی البدل اتیان شود کفایت می کند، مثلاً مولا فرموده است «اعتق رقبة» و اطلاق این حکم بدلی است و با آزاد کردن یک رقبه حکم امتثال می شود.

اطلاق شمولی اطلاقی است که جمیع افراد مصادیق اطلاق باید اتیان شود، مثلا مولا فرموده است «لاتقل المسلم» برای منتهی شدن از نهی باید تمامی افراد ترک شود.

و اما اینکه از کجا فهمیده شود اطلاقی بدلی است و اطلاقی شمولی؟ بدلی یا شمولی بودن اطلاق گاهی از خود لفظ دلیل استفاده می شود و غالبا با قرائن خارجیه فهمیده می شود، مثلاً بدلی بودن از «اکرم عالماً» یا اگر در فارسی گفته شود «یک عالمی را اکرام کن» از لفظ فهمیده می شود و لفظ دلالت دارد بر بدلی بودن، و خیلی اوقات هم باید از قرائن فهمید مثلا «اکرم العالم» و «لاتکرم الفاسق» هر دو مفرد محلَّی به الف و لام هستند و از لفظ فهمیده نمی شود.

بدلی بودن اطلاق در «اکرم العالم» از این قرینه فهیمده می شود که نمی توان همه علما را اکرام کرد، به خاطر همین قرینه می گوییم مراد از وجوب اکرام علما صرف الوجود اکرام می باشد، و شمولی بودن اطلاق در «لاتکرم الفاسق»

شمولی بودن اطلاق در «لاتکرم الفاسق» از این قرینه فهمیده می شود که در حرمت اکرام فاسق بین فساق فرقی نیست؛ و همچنین از این قرینه که امتثال نهی به ترک جمیع افراد منهی عنه می باشد.

البته اینکه از کجا فهمیده شود اطلاقی بدلی است و اطلاقی شمولی! مسأله مهمی نیست، بلکه مهم در بحث این است که ـ بعد از آنکه بدلی و شمولی بودن اطلاق ها از هر راهی که باشد به دست آمد و در مجمع تعارض کردند ـ تقدم با کدامیک می باشد؟

###### اقوال

به شیخ انصاری نسبت داده شده است که تقدم با اطلاق شمولی است، همانطور در تعارض عام و مطلق تقدم با عام می باشد. محقق نائینی نیز به تقدم اطلاق شمولی قائل هستند.

محقق خراسانی در بحث واجب مشروط که ظاهرا در مقام ردّ شیخ انصاری است می فرمایند: تقدم اطلاق شمولی بر بدلی وجهی ندارد چون هر دو نیازمند مقدمات حکمت هستند.

###### ادله

دلیل عدم تقدم هیچیک بر دیگری

آخوند: اگر شمولی صلاحیت برای بیان بودن برای بدلی داشته باشد عکس قضیه هم صحیح است و اطلاق بدلی می تواند بیان باشد برای اطلاق شمولی. و اینکه شیخ اعظم این مسأله را همانند تقدم عام می دانند صحیح نیست، چون تقدم عام به خاطر این است که عموم یک نکته اضافه دارد عموم عام بالوضع است و اطلاق مطلق با مقدمات حکمت و سکوت است، و همانا بالوضع مقدم است بر سکوت. اما اطلاق شمولی با اطلاق بدلی متساوی هستند. اگر «اکرم عالماً» با «لاتکرم الفاسق» تعارض کند وجهی بدارد که «لاتکرم الفاسق» مقدم بر «اکرم العالم» شود.

دلیل تقدم اطلاق شمولی

محقق نائینی اطلاق شمولی را مقدم می داند، به خاطر آنکه عرف اطلاق شمولی را مقدم می دارد.

ایشان با مراجعه به ذهن عرفی خود اینگونه حکم کرده اند که رفتار عبد هنگام مواجهه با خطاب «اکرم عالماً» عالمی را اکرام کن از سوی مولا و همچنین خطاب «لاتکرم الفاسق» فاسق را اکرام کن چگونه است؟ کدام عبد است که بگوید من در وظیفه ام نسبت به عالم فاسق شک دارم، ای مولا دو کلامت تعارض دارند!؟ در این صورت عقلا به این عبد می خندند، و ملامت می کنند که عالم فاسق این مشکل را دارد که نهی به آن خورده دارد و به حکم عقل سلیم برای امثتال «اکرم عالما» برو عالم عادلی را پیدا کرده و اکرام کن، قحطی عالم که نیست!

محقق نائینی برای اقامه برهان بر مدعای خود دو وجه را ذکر کرده اند.

وجه نخست: عدم تصرف در دلیلین اولی از تصرف در یک دلیل

با اخذ مطلق شمولی و عدم تطبیق مطلق بدلی بر محل اجتماع در هیچیک از دلیلین تصرف نکرده ایم. اگر بگوییم «لاتکرم الفاسق» شامل همه فساق می شود و «اکرم عالما» عالم فاسق را شامل نشده است در هیچیک از دلیل ها تصرف نکرده ایم.

عدم تصرف در مطلق شمولی واضح است چرا که به اطلاق آن اخذ کرده در تمامی موارد از نهی منتهی شده ایم.

عدم تصرف در مطلق بدلی هم به این جهت است که این دلیل میگوید عالمی را اکرام کن، و مکلف فقط در مقام تطبیق نمی تواند آن را بر فرد فاسق تطبیق کند، و مکلف با این کار در ظهور دلیل تصرف نکرده است، و با تطبیق آن بر غیر فاسق فقط تطبیق را ضیق کرده است نه مدلول و ظاهر دلیل را.

اما اگر مطلق بدلی را بر مطلق شمولی مقدم کنیم لازم می آید که در ناحیه مطلق شمولی ناچار دست به تخصیص بزنیم. اگر «اکرم عالما» مقدم باشد، می توان فرد فاسق را هم اکرام کرد، و لازمه تقدم آن است که با این خطاب در خطاب «لاتکرم الفاسق» تصرف کرده و آن را تخصیص بزنیم.

و هنگامی که امر دائر باشد بین عدم تصرف در هیچیک از دلیلین و بین تصرف در یک دلیل عدم تصرف اولی است، چون ما مأمور به ظاهر خطاب هستیم و برای تصرف باید دلیل داشته باشیم، و اکنون که دلیل نداریم نمی توان در ظاهر خطاب تصرف کرد.

محقق نائینی در جلد یکم اجود التقریرات در بحث مطلق و مقید و همچنین در بحث واجب مشروط در مسأله رجوع قید به ماده یا هیأت این مسأله را مطرح کرده است.

مناقشه یکم: استحسان بودن این وجه (محقق خویی)

محقق خویی بر استادشان مناقشه می کنند که ما مأمور به ظواهر هستیم و وقتی یک دلیل از دلیل دیگر اظهر بود یا قرینه داشت مقدم بر دلیل دیگر میشود. و در تقدم لازم است یکی دلیل اظهر باشد یا قرینه باشد بر دلیل دیگر. و اولی بودن عدم تصرف از تصرف مجرد استحسان است موجب اظهریت و قرینه بودن نیست.

استحسان نه تنها در احکام شریعه مجال ندارد بلکه در لغت و ظواهر الفاظ نیز مجال ندارد، در کفایه الاصول در بحث تعارض احوال برخی استدلال کرده اند به «المجاز خیر من الاشتراک و الاشتراک خیر من النقل» و در آنجا هم مناقشه شده است که این امور استحسان است و با استحسان نمی شود لغت و ظهور را اثبات کرد.

در محل بحث نیز اولویت استحسان است و آنجه مفید تقدم است، اظهر و ظاهر بودن و قرینه و ذو القرینه بودن است که در مقام منتفی است.

مناقشه دوم: مستبطین بودن بدلی به شمولی (محقق خویی)

محقق خویی در مناقشه دوم می فرمایند هر اطلاق بدلی در بطن خود اطلاق شمولی هم دارد. وقتی مولا فرمود «اکرم عالماً» اطلاق بدلی دارد به این معنا که این عالم می تواند بدل دیگری قرار بگیرد، و عالم دیگری می تواند بدل از او قرار بگیرد، و اما متضمن اطلاق شمولی است به این معنا که مکلف می تواند این عالم را اکرام کند و می تواند آن عالم را و یا عالم دیگری را اکرم کند. وجوب اکرام نسبت به الزام بدلی است و نسبت به ترخیص در تطبیق شمولی است.

هر اطلاق بدلی بالالتزام دلالت دراد بر ترخیص شمولی. مولا با مطلق بدلی دو سخن دارد 1. بالمطابقه فرموده است «یک عالمی را اکرام کن» 2. بالالتزام فرموده است «آن عالم را می توانی در هر عالمی تطبیق کنی» و نام این سخن مولا ترخیص در تطبیق است.

حال تسلم می کنیم بر تقدم اطلاق شمولی بر اطلاق بدلی باشد لکن اطلاق شمولی که بالالتزام به دست آمده است، با آن اطلاق شمولی تعارض می کند و ترجیحی در بین نیست. «لاتکرم الفاسق» با شمولش به تمامی موارد فساق با دلالت مطابقی می گوید که اکرام آنها حرام است، و «اکرم عالما» بالالتزام می گوید: می توان آن عالم را شرعا بر هر فرد از عالم منطبق کنی، لذا این دو دلیل در مجمع تعارض می کنند در نتیجه نمی توان اطلاق شمولی را مرجح قرار داد.

جواب از مناقشه یکم: اظهر بودن مطلق شمولی (محقق صدر)

در نظر محقق صدر و در نظر تحقیق وجه نخست برای تقدم اطلاق شمولی استحسان نیست و استظهار عرفی است. همانا مطلق شمولی اظهر از مطلق بدلی است. محقق صدر برای اثبات اظهریت بیاناتی دارد که ما با آن بیانات کار نداریم. و در نظر تحقیق آنچه که باعث شده محقق نائینی مطلق شمولی را اظهر بداند همان ملاکی است که باعث شده است که عام بر مطلق مقدم باشد. همانگونه که عام اظهر از مطلق است به همانگونه مطلق شمولی اظهر از مطلق بدلی است.

تقدم عام به خاطر آن است که دلالت عام بالوضع است و دلالت مطلق با سکوت و وضع مقدم بر سکوت است.

و تقدم مطلق شمولی شبیه به تقدم عام می باشد، مولا در مطلق بدلی تمامی افراد را در نظر ندارد بلکه به نحو ابهام به آنها نگاه می کند، مولا میگوید «عالمی را اکرام کن» و کسی که ادبیات را هم قبول داشته باشد در ادبیات گفته می شود که نکرده ابهام دارد. به خلاف مطلق شمولی که با استفاده از مقدمات حکمت مدلول خطاب آن است که مولا همه افراد را در نظر دارد، مدلول «لاتکرم الفاسق» آن است که «هر» فاسقی را اکرام نکن، اما مدلول مطلق بدلی آن است که «عالمی» را اکرام کن.

اطلاق در مطلق بدلی به نحو بدلی دیده می شود و «هر» از آن کشف نمی شود. درست است که عقل حکم به ترخیص در تطبیق می کند در هر فردی از علما اما این حکم معلق است به بیانی که در ذیل خواهد آمد.

اطلاق در مطلق شمولی به نحو سریان دیده می شود و از آن «هر» کشف می شود هر چند با مقدمات حکمت.

وجه محقق نائینی استحسان نمی باشد زیرا ایشان فرمود «همانگونه که عام مقدم بر مطلق است به همانگونه مطلق شمولی مقدم است بر بدلی». تقدم عام به خاطر آن است که مولا «هر» را در عام با لفظ فرموده است و در مطلق با سکوت، و گفتار بر سکوت مقدم است، در مطلق شمولی نیز «هر» وجود دارد و در مطلق بدلی اطلاق به نحو ابهام است، و اگر مولا اطلاق ها را به زبان بیاورد اینگونه می شود «هر فاسقی را اکرام نکن» «عالمی را اکرام کن» و عرف وقتی دو خطابی به دستش برسد در عالم فاسق با اشکال مواجهه نمی شود، بلکه به کسی که بگوید «من در عالم فاسق گیر دارم» می گوید تو مریض هستی.

و ریشه و اساس جمع بین کلمات مولا آن است که کلمات مولا توجیه شود و اوامر و نواهی اش زمین نماند. و وقتی دو خطاب به عرف برسد آن دو را متعارض نمی بیند.

جواب نقضی به مناقشه دوم : (نظر تحقیق)

اولا به محقق خویی مناقشه می شود که با مبنای شما که اطلاق را مدلول کلام نمی دانید، چگونه اظهار می کنید که اطلاق بدلی متضمن اطلاق شمولی است؟

جواب دوم به مناقشه دوم: متضمن نبودم اطلاق بدلی بر اطلاق شمولی (نظر تحقیق)

محقق خویی ادعا کردند اطلاق بدلی متکلف دو حکم است، اطلاق بدلی با دلالت مطابقی و اطلاق شمولی با دلالت التزامی.

لکن باید گفت که آنچه از دلیل «عالمی را اکرام کن» «رقبه ای را آزاد کن» فهمیده می شود آن است که ترخیص در تطبیق مجعول شرعی نیست، و تطبیق به دست عقل می باشد. ترخیص در امتثال مربوط به تطبیق است و تطبیق به دست عقل می باشد.

عقل میگوید مولا فرمود «عالمی را» «رقبه ای را» و قید نیاورد و شمای مکلف در مقام امتثال می توانی آن را تطبیق کنی به این فرد یا آن فرد یا فرد دیگر.

ظاهراً ایشان متفرد در این مسأله هستند.

طبق نظر برخی از محققین علما در فقه قولا و عملا مطلق شمولی را بر بدلی مقدم داشته اند.

بنابراین وجه اول محقق نائینی خالی از اشکال است، و طبق این وجه حق با شیخ انصاری و محقق نائینی است که می فرمایند مطلق شمولی مقدم بر بدلی است.

اما وجه دوم برای تقدیم إن شاء الله فردا تقدیم می گردد.

1. مقرر: در موضوع و حکم. [↑](#footnote-ref-1)